

## برآورد تأثیر سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی بر جریان‌های تجاری بخش صنعت در کشورهای عضو سازمان توسعه و همکاری اقتصادی

شکوفه ناقلی<sup>۲</sup>

حسین کریمی<sup>۲</sup>

کریم آذربایجانی<sup>۱</sup>

### چکیده

یکی از مسایل عمده‌ای که در زمینه تجارت خارجی هر کشور مطرح می‌شود، موضوع آثار جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی بر صادرات و واردات می‌باشد. سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی می‌تواند موجب افزایش ظرفیت‌های تولیدی به ویژه در مورد کالاهای صادراتی شود و در زمینه برقراری پیوند و ارتباط با اقتصاد بین‌الملل از طریق توسعه بازارهای صادراتی و پیشرفت در زمینه‌های تحقیق و توسعه به کشور میزبان کمک نماید. از این رو هدف این تحقیق، بررسی رابطه سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی بر جریان‌های تجاری بخش صنعت برای کشورهای OECD با استفاده از مدل جاذبه و داده‌های ترکیبی طی سال‌های ۲۰۰۰ تا ۲۰۰۷ می‌باشد. نتایج بیانگر رابطه مستقیم و مثبت معنی‌دار سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی با جریان‌های تجاری بخش صنعت در کشورهای مورد بررسی می‌باشد، همچنین دیگر عوامل همچون درآمد ملی و جمعیت نیز دارای اثری مثبت و معناداری بر جریان‌های تجاری بخش صنعت دارند. اما فاصله جغرافیایی دارای یک اثر منفی بوده است.

**واژه های کلیدی:** سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی، جریان‌های تجاری، مدل جاذبه، داده‌های تابلویی، کشورهای OECD.

۱ - دانشیار دانشکده علوم اداری و اقتصاد دانشگاه اصفهان azarbaiejani@yahoo.com

۲ - استادیار دانشکده علوم اداری و اقتصاد دانشگاه اصفهان hkarimih@econ.ui.ac.ir

۳ - دانش آموخته کارشناسی ارشد توسعه اقتصادی و برنامه ریزی ، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد خمینی شهر Nagheli.elham@gmail.com

## ۱ - مقدمه

رشد و توسعه اقتصادی در هر کشوری وابسته به افزایش تولید ناخالص داخلی آن است که همواره از جمله مهمترین دغدغه‌های نظام‌های اقتصادی کشورهای مختلف به خصوص کشورهای توسعه یافته می‌باشد. افزایش تولید ناخالص داخلی نیز در هر کشوری وابستگی زیادی به افزایش سرمایه‌گذاری (ثابت و جاری) دارد. در این بین سرمایه‌گذاری به خصوص سرمایه‌گذاری ثابت هم در هر کشور به پس‌انداز بخش خصوصی و مخارج دولت به خصوص مخارج عمرانی از یک طرف و جذب سرمایه از سایر کشورها از طرف دیگر، وابسته است. از این رو با توجه به محدودیت پس‌انداز و سرمایه داخلی، استفاده از سرمایه‌های سایر کشورها برای افزایش توان تولیدی کشورها از اهمیت بالایی برخوردار است. در نتیجه در سال‌های اخیر کشورها از طرق مختلف سعی در جذب سرمایه‌های سایر کشورها برای سرمایه‌گذاری در کشورشان می‌نمایند که یکی از این روشها تحت عنوان سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی<sup>۱</sup> از جمله روش‌های تأمین مالی سرمایه‌گذاری (ثابت) بیشتر سرمایه‌گذاری در طرح‌ها و پروژه‌های بزرگ از سایر کشورها می‌باشد. امروزه افزایش شاخص سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی به عنوان یکی از عوامل مؤثر در افزایش تولید ناخالص داخلی کشور مدنظر دولتمردان در بسیاری از کشورها است.

شایان ذکر است سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی با انتقال دانش، تکنولوژی و مهارت و افزایش تجارت مرتبط با سرمایه‌گذاری، منافعی برای کشورهای میزبان فراهم می‌کند که از جمله مهمترین آنها افزایش بهره‌وری و رقابت‌پذیری است. البته باید توجه نمود که بسیاری از آثار ناشی از سرمایه‌گذاری از این روش با توجه به نیاز به گذشت زمان برای تبدیل سرمایه‌گذاری به تولید در آینده دارد، در نتیجه این شاخص در کوتاه مدت بر تولید ناخالص داخلی و سایر شاخص‌های کلان اقتصاد کشور در همان سال اثر نمی‌نماید و نمی‌توان از آن استفاده کرد. لذا، اثرات سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در یک دوره، در شاخص‌های کلان اقتصاد کشور مقصد حداقل در دوره بعد، اثر خواهد گذاشت. در هر حال بررسی روند این شاخص در کشورهای توسعه یافته و در کل جهان می‌تواند به تحلیل بهتر از روند آینده متغیرهای کلان اقتصادی به خصوص رشد و توسعه تولید ناخالص داخلی کمک نماید. در عصر حاضر سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی و جریانات تجاری یکی از

۱- Foreign Direct Investment (FDI)

۲- Trade Flows

مهمترین زمینه‌های تأمین مالی پروژه‌های سرمایه گذاری می‌باشند که به جز تأمین مالی، اهداف دیگری چون ارتقاء فن آوری، مدیریت در ارائه بهینه کیفیت، توسعه مهارت و توسعه بازارهای صادراتی را نیز دنبال می‌کنند. با گذشت زمان، ورود سرمایه و فن آوری از سوی کشورهای توسعه یافته به کشورهای در حال توسعه، شرایط مطلوب تری را جهت استفاده از منابع طبیعی و عوامل جغرافیایی برای کشورهای میزبان بوجود می‌آورند. یکی از وظایف اصلی دولت شکوفا کردن استعدادهای بالقوه داخلی می‌باشد که باعث جلب مشارکت بیشتر شرکای خارجی می‌شود. سرمایه گذاری مستقیم خارجی بر توسعه اقتصادی، اجتماعی و سیاسی کشورهای میزبان به طرق مختلف و در ابعاد گوناگون تأثیر می‌گذارد.

توسعه در جریان‌های تجاری بوجود آورنده زمینه مناسبی جهت ورود سرمایه خارجی به کشور میزبان می‌شود. با بسترسازی مناسب از طریق قوانین، خدمات مورد نیاز و بکارگیری کلیه امکانات داخلی می‌توان شرایط ایده آلی جهت جذب سرمایه‌های خارجی بوجود آورد. در معادله دو سویه از یک طرف کشور غنی با سرمایه و فن آوری و از سوی دیگر کشور فقیر با منابع و عوامل جغرافیایی ایجاد همگرایی سودآوری می‌کند که در پایان رشد و توسعه را به همراه دارد. با توجه به اهمیت اثر سرمایه گذاری مستقیم خارجی روی جریان‌های تجاری این مقاله به دنبال برآورد تأثیر سرمایه گذاری مستقیم خارجی بر جریان‌های تجاری در کشورهای عضو سازمان توسعه و همکاری اقتصادی<sup>۱</sup> می‌باشد و سعی می‌کند اثرگذاری متغیرهای مهم تأثیرگذار بر سرمایه گذاری مستقیم خارجی و جریان‌های تجاری بخش صنعت با این فرض که دارای رابطه‌ای مثبت می‌باشند، را با استفاده از مدل جاذبه<sup>۲</sup> و استفاده از داده‌های تابلوی<sup>۳</sup> نیز بررسی نماید.

## ۲ - مبانی نظری و مطالعات تجربی

هر نوع سرمایه گذاری که به وسیله شرکت‌های خصوصی یا افراد در کشورهایی غیر از وطن ایشان انجام می‌شود، سرمایه گذاری خارجی نام دارد. سرمایه گذاری خارجی، بیشتر به وسیله بخش خصوصی و در قالب شرکت‌های چندملیتی (MNEs<sup>۴</sup> یا MNCs<sup>۵</sup>) صورت گرفته و از آن به عنوان جریان خصوصی سرمایه<sup>۶</sup> یاد

۱- Organization of Economic Cooperation and Development (OECD)

۲- Multinational Enterprises (MNEs)

۳- Multinational Corporations (MNCs)

۴- Capital Private Flows

۵- Foreign Portfolio Investment ( FPI )

۶- Berclay

می‌شود. سرمایه‌گذاری خارجی، به دو صورت سرمایه‌گذاری غیرمستقیم خارجی و سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی انجام می‌شود (برکلی، ۲۰۰۰).

سرمایه‌گذاری غیرمستقیم خارجی، شامل سرمایه‌گذاری‌هایی است که به وسیله اشخاص حقیقی و حقوقی خارجی به صورت خرید اوراق بهادار یک مؤسسه و شرکت مالی صورت می‌گیرد و طی این فرایند، بدون این که شخص کنترلی بر سرمایه خود داشته باشد، آن را در اختیار کشور میزبان قرار می‌دهد (کميجانی و عباسی، ۱۳۸۵). به عبارت دیگر، سرمایه‌گذاری غیرمستقیم خارجی صرفاً محدود به انتقال منابع مالی است و انتقال فناوری را در بر ندارد. این نوع سرمایه‌گذاری شامل معاملات سهام، اوراق قرضه، سپرده‌های بانکی و مانند آن است و صرف مالکیت این گونه دارایی‌ها برای سرمایه‌گذار، حق اعمال دخالت مؤثر در تصمیم‌گیری‌های مؤسسه را ایجاد نمی‌کند (بهنام مجتهدی، ۱۳۷۳).

بازدهی قطعی، نقدینگی بالا و کوتاه بودن دوره سرمایه‌گذاری، جذابیت‌های خاص سرمایه‌گذاری غیرمستقیم خارجی برای سرمایه‌گذار است، اما تجربه کشورهای جنوب شرق آسیا و آمریکای جنوبی نشان می‌دهد که درجه بالای فرار سرمایه غیرمستقیم خارجی، نمی‌تواند از نقطه نظر تأمین مالی خارجی، آن را به تکیه‌گاه مطمئن برای کشور میزبان تبدیل کند و در واقع، کشورها ناگزیرند در گزینه‌های تأمین منابع مالی خارجی خود، وزن کمتری را به این نوع سرمایه‌گذاری اختصاص دهند (داوودی و شاهمرادی، ۱۳۸۳).

انگیزه اصلی برای سرمایه‌گذاری غیرمستقیم خارجی و جابجایی سرمایه در قالب این نوع سرمایه‌گذاری، به دست آوردن سود بیشتر در خارج از مرزهای یک کشور است. علاوه بر این، نوع نظام مالیاتی و ارزی کشور میزبان، وجود شرایط مناسب برای بیمه اصل و فرع این نوع سرمایه، وجود ابزارها و بازارهای پولی و مالی پیشرفته و امکانات مناسب برای خروج اصل و فرع سرمایه، در شکل‌گیری این نوع سرمایه در کشور میزبان مؤثر است. در این نوع سرمایه‌گذاری، سرمایه‌گذاران برای کاهش دادن اثر کلی ریسک بر میزان سرمایه خود، به سرمایه‌گذاری در کشورهای مختلف می‌پردازند (مهدوی، ۱۳۸۳).

تعاریف متعددی از سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی ارائه شده است. از نظر آنکتاد، سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی عبارتست از سرمایه‌گذاری که متضمن روابط اقتصادی بلندمدت بوده و نشان‌دهنده منافع پایدار و کنترل واحد اقتصادی مقیم یک کشور (شرکت مادر) بر واحد اقتصادی مقیم کشور دیگر (شعبه فرعی بنگاه مادر) است. سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی از دیدگاه صندوق بین‌المللی پول<sup>۱</sup>، سرمایه‌گذاری است که به هدف

۱- International Monetary Found (IMF)

کسب منافع پایدار در کشوری به جز موطن فرد سرمایه گذار انجام می شود و هدف سرمایه گذار از این سرمایه گذاری، آن است که در مدیریت بنگاه مربوط نقش مؤثر داشته باشد (بهکیش، ۱۳۸۴).

به نظر می رسد که وجه تمایز سرمایه گذاری مستقیم خارجی از سرمایه گذاری های دیگر خارجی، لزوم نفوذ قابل توجه سرمایه گذار خارجی در مدیریت بنگاه باشد. فارغ از معیار تمایز بین دوره بلندمدت و کوتاه مدت، باید خاطر نشان کرد که بلندمدت بودن سرمایه گذاری مستقیم خارجی، یکی از ویژگی های تبعی آن است. زیرا جستجوی منافع پایدار و متعاقب آن، نفوذ و قدرت اعمال نظر در مدیریت به طور تلویحی در یک فرایند سرمایه گذاری بلندمدت امکان پذیر است. در نهایت، می توان سرمایه گذاری مستقیم خارجی را نوعی سرمایه گذاری معرفی کرد که در کشوری به جز کشور مبدأ انجام می شود و هدف از آن، کسب منافع پایدار در یک بنگاه است که حاکی از آن است که سرمایه گذار حتماً به دنبال کنترل کردن مدیریت بنگاه مربوط خواهد بود (داوودی و شاهمرادی، ۱۳۸۳).

سرمایه گذاری مستقیم خارجی، از سه مؤلفه سهام خارجی، سود مجدد سرمایه گذاری شده و وام بین شرکتی تشکیل شده است. سهام خارجی، به سهام خریداری شده توسط یک واحد تولیدی از یک کشور خارجی اطلاق می شود. سود مجدد سرمایه گذاری شده، سود توزیع نشده یا توزیع شده (اما دوباره سرمایه گذاری شده) سرمایه گذاران یک شرکت خارجی است. وام بین شرکتی، وام های کوتاه یا بلندمدت بین شرکت های سرمایه گذاری و سازمان های مرتبط با آنها می باشد (ملکی، ۱۳۸۲).

سرمایه گذاری مستقیم خارجی، در واقع گسترش سازمان درونی شرکت های چندملیتی است که به ۳ شکل افقی، عمودی و توأم انجام می شود. سرمایه گذاری مستقیم خارجی افقی<sup>۱</sup>، با گسترش افقی شرکت های چندملیتی همراه است و در این حالت، کالاهای مشابهی که در داخل کشور تولید می شود، در کشور میزبان نیز تولید می گردد. سرمایه گذاری مستقیم خارجی عمودی<sup>۲</sup>، مربوط به شرکت های چندملیتی بوده و به معنای پیوند دادن ارتباط های پیشین<sup>۳</sup> و پسین<sup>۴</sup> یک شرکت تولیدی است. در این نوع سرمایه گذاری مستقیم خارجی، که به منظور دسترسی سرمایه گذاری مستقیم خارجی به مواد خام و اولیه و یا نزدیک شدن به بازارهای هدف صورت می گیرد، شرکت های سرمایه گذار سعی می کنند کالاهای نهایی خود را از طریق عوامل خود به فروش برسانند

۲- Horizontal FDI

۳- Vertical FDI

۴- Backward linkages

۵- Forward linkages

(ارتباط پیشین) و مواد اولیه و کالاهای نیمه ساخته مورد نیاز را از شرکت‌های تابعه خود تهیه نمایند (ارتباط پسین). سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی توأم نیز به صورت همزمان مشتمل بر گسترش افقی و عمودی است (موسی، ۲۰۰۲).

### ۳- روند سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در جهان و کشورهای OECD

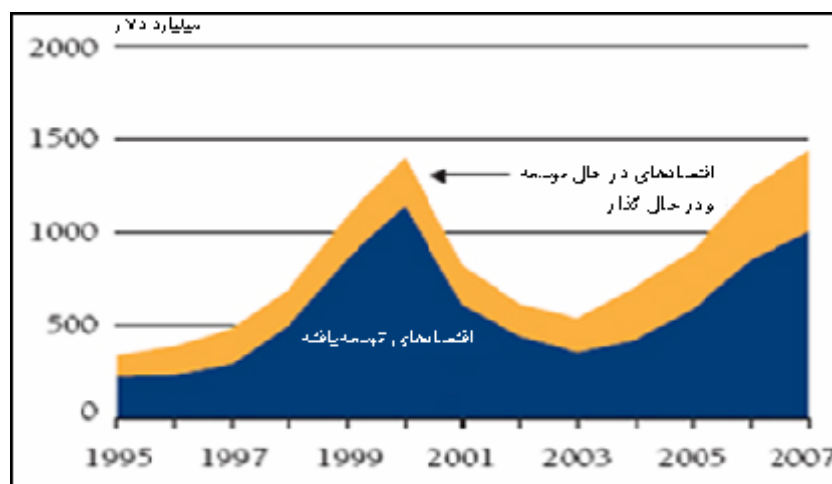
#### ۳-۱- روند سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در جهان

امروزه جریان سرمایه‌گذاری خارجی یکی از مهمترین و بارزترین نمود جهانی شدن اقتصاد کشورها است. در پرتو فرآیند جهانی شدن، سرمایه‌ها با هدف کسب سود بیشتر به آسانی و با حجم عظیمی در سراسر جهان جابجا می‌شوند و این جریان سیال زمینه‌ساز تحولات اقتصادی مهم در کشورهای مختلف و در نهایت پویایی و حیات نظام سرمایه‌داری جهانی است. چرا که کشورهای درحال توسعه بعد از جنگ جهانی دوم به دلیل تجربه استعمار، نسبت به عملکرد جهان سرمایه‌داری با دیده تردید می‌نگریستند. و از سرمایه‌گذاری‌های کشورهای توسعه یافته در کشورشان استقبال نمی‌نمودند. به همین دلیل در قبال تجارت بین‌الملل و سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی رفتار احتیاط‌آمیز داشتند و بیشتر سیاست‌ها و برنامه‌های توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی بر استراتژی دورنگرایی و جانشینی واردات و در این اواخر توسعه صادرات شکل گرفته بود. در نتیجه دولتمردان در این کشورها نسبت به ورود سرمایه خارجی قوانین سخت‌گیرانه‌ای اتخاذ کرده بودند. اما در دهه‌های ۸۰ و ۹۰ میلادی و در پرتو سیاست‌های موفقیت‌آمیز توسعه برون‌گرایی بعضی از کشورها و فروپاشی نظام کمونیستی در بلوک شرق و استقبال آنها از جذب سرمایه سایر کشورها به خصوص کشورهای توسعه یافته دیدگاه مخالف با سرمایه‌گذاری خارجی جای خود را به آزادسازی اقتصادی و مقررات‌زدایی از سرمایه‌گذاری خارجی داد و کشورهای درحال توسعه تلاش فراوانی برای جذب بیشتر سرمایه خارجی به عمل آوردند.

گسترش روزافزون سرمایه‌گذاری خارجی در جهان و تأثیر مثبت آن بر رشد اقتصادی کشورها، افزایش رقابت میان ملل جهان برای جذب سرمایه‌گذاری خارجی را موجب شده و از این رو مقررات و قوانین کشورها برای کسب سهم بیشتر از سرمایه‌گذاری‌های خارجی هر روزه تسهیل یافته و می‌یابد. در نتیجه تغییر این رویکرد بازارهای سهام کشورهای صنعتی و درحال توسعه به روی سرمایه‌گذاران خارجی گشوده شده، ایجاد مناطق آزاد تجاری و صنعتی در کشورهای مختلف گسترش یافته و در نهایت فعالیت سرمایه‌گذاران خارجی تسهیل شده است که این گونه فعالیت‌ها از جمله اقدامات مهم رایج در جهان از اواخر قرن بیستم تا کنون بوده است.

همچنین اقتصاددانان مهمترین عامل جذب سرمایه‌های خارجی را ملاحظات اقتصادی می‌دانند که در این میان، وجود مواد خام فراوان و ارزان، نیروی کار ماهر و بازار کالا و خدمات، شروط اولیه توجیه‌پذیری جذب سرمایه‌گذاری خارجی بشمار می‌روند. ثبات قوانین و مقررات مربوط به سرمایه‌گذاری، مالیات نازل و مبادله کالا در بازارهای داخلی و خارجی و وجود قانون شفاف برای حمایت از سرمایه‌گذاری خارجی، از دیگر مسایل مهم و تأثیرگذار در تصمیم‌گیری کارفرمایان و صاحبان سرمایه است که در عین حال مورد توجه بسیاری از کشورهای پذیرای سرمایه‌گذاری خارجی نیز می‌باشد. بنابراین با توجه به تجربه موفق کشورهای جهان در جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی و نقش اساسی آن در رشد و توسعه اقتصادی کشورها، باید اذعان داشت در کشورهایی مانند ایران که با مشکل محدودیت سرمایه‌گذاری مواجه هستند، بدون توجه به سرمایه‌گذاری خارجی موضوع توسعه اقتصادی بسیار دشوار می‌باشد.

همان‌گونه که بیان گردید FDI نقش مهمی در جهانی‌سازی ایفا کرده و در آینده نیز تأثیر بیشتری خواهد داشت، به طوری که در بین سال‌های ۱۹۹۰ تا ۲۰۰۰ روند سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی حدود ۶۰۰ درصد افزایش داشته است. همچنین قابل ذکر است از سال ۱۹۸۰، اثر FDI جهانی در تولید ناخالص داخلی و صادرات جهانی به میزان قابل توجهی افزایش یافته است. این روند اگر چه در اوایل دهه اول قرن بیست و یکم کاهش یافته، اما از سال ۲۰۰۳، جریانات ورودی FDI به‌طور متوسط سالانه حدود ۲۸.۵ درصد افزایش یافته و میزان سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در جهان به ۱.۵ تریلیون دلار در سال ۲۰۰۷ رسیده است (نمودار ۱).

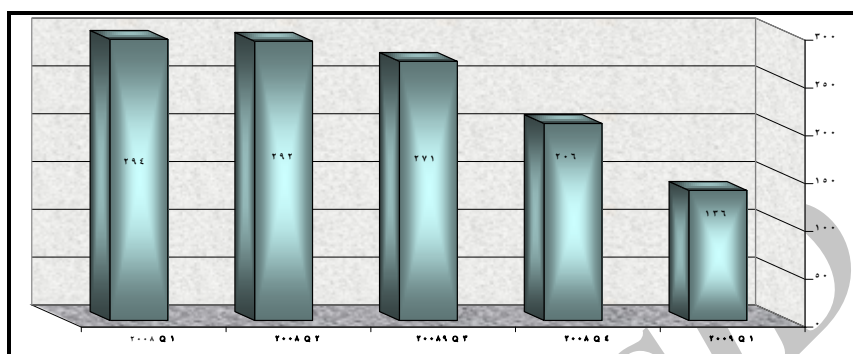


نمودار (۱) جریان‌های ورودی سرمایه‌گذاری خارجی جهانی

Source: Foreign Affairs & International Trade Canada

روش دیگر در انتقال سرمایه از سایر کشورها، ادغام و خرید شرکت‌ها توسط شرکت‌های بین‌المللی و خارجی است که در اواخر سال ۲۰۰۸ بعد از وقوع بحران بزرگ مالی، روند سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی و ادغام و خرید شرکت‌ها (دو رکن اصلی FDI) کاهش چشمگیری در جهان داشته است. همچنین پیش‌بینی شده در سال ۲۰۰۹ نیز این روند کاهش ادامه داشته باشد. بر اساس آمار ارائه شده در کنفرانس بین‌المللی تجارت و توسعه (آنکتاد) وابسته به سازمان ملل متحد، جریان‌های ورودی FDI و ادغام شرکت‌ها در سه ماهه ابتدایی سال ۲۰۰۹، در مقایسه با مدت مشابه سال ۲۰۰۸، به ترتیب ۵۴ درصد و ۷۷ درصد کاهش داشته است. همچنین بر اساس این پیش‌بینی‌ها دورنمای آتی سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی برای ماه‌های باقی‌مانده سال جاری نیز کاهشی خواهد بود. بدیهی است تلاش سیاست‌گذاران و دولتمردان کشورهای مختلف برای گشایش فضای مناسب سرمایه‌گذاری بین‌المللی نقش مهمی در حفظ شرایط مطلوب جهت بهبود جریان‌های FDI ایفا می‌نماید. با توجه به اطلاعات ارائه شده توسط آنکتاد در اواسط ژوئن سال ۲۰۰۹، سرمایه‌گذاری‌های مستقیم خارجی در ۵۷ کشور، ۵۴ درصد کاهش یافته که معادل ۶۰ درصد کل سرمایه‌گذاری‌های خارجی در جهان در این سال بوده است. البته باید توجه داشت که در ۴۳ کشور جهان از جمله کشورهای برزیل، چین، فدراسیون روسیه و ... نیز روند سرمایه‌گذاری خارجی کاهش یافته است. برای بررسی دقیق‌تر، میزان جریان‌های ورودی FDI، به صورت فصلی در سالهای ۲۰۰۸ و ۲۰۰۹ در نمودار ارائه شده است.





نمودار (۲) جریان‌های ورودی سرمایه گذاری مستقیم خارجی در جهان به صورت فصلی (۲۰۰۸-۲۰۰۹) (میلیارد دلار)

Source: UNCTAD, FDI/TNC (۲۰۰۹)

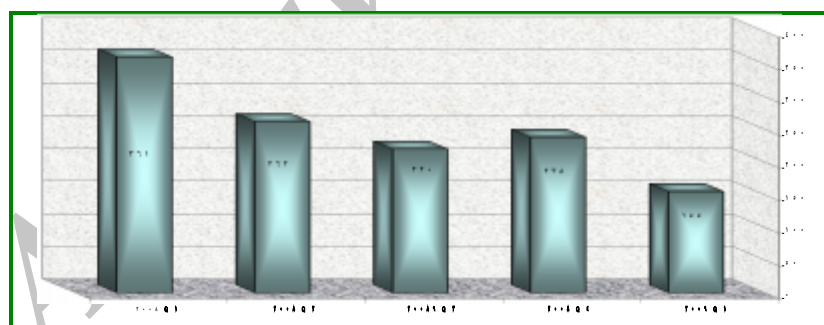
همان گونه که در نمودار (۲) مشاهده می‌گردد، روند جریان‌های ورودی FDI در جهان در دوره مورد بررسی، نزولی بوده؛ به گونه‌ای که میزان آن از ۲۹۴ میلیارد دلار در سه ماه ابتدایی سال ۲۰۰۸، به ۱۳۶ میلیارد دلار در سه ماه ابتدایی سال ۲۰۰۹، کاهش یافته است. جریانات ورودی FDI در فصل اول سال ۲۰۰۹ نیز نسبت به سه ماه انتهایی سال ۲۰۰۸، حدود ۳۴ درصد کاهش داشته است. قابل ذکر است با تداوم روند سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در فصل اول سال ۲۰۰۹، در کل پیش‌بینی می‌شود جریانات ورودی سرمایه در جهان در سال ۲۰۰۹، به نصف سال قبل کاهش یابد. در این ارتباط باید توجه نمود که ظرفیت و توان بنگاه‌ها برای جذب سرمایه‌گذاری خارجی نیز در حال کاهش است که با توجه به بررسی‌های انجام گرفته از جمله عمده‌ترین دلایل آن: کاهش دستیابی به منابع مالی؛ کاهش سود بنگاه‌ها و شرکت‌های شکل گرفته ناشی از ادغام؛ کاهش بازدهی ناشی از سرمایه‌گذاری در فضای بحران مالی.

در هر حال جریان ورودی FDI در جهان در سال ۲۰۰۸، نسبت به سال قبل، ۲۰ درصد کاهش داشته و همان گونه که بیان شد این روند کاهشی در سال ۲۰۰۹ محسوس‌تر خواهد بود. اما آیا کاهش جریان ورودی FDI در تمامی کشورهای جهان، متأثر از وقوع بحران مالی سال ۲۰۰۸ است؟ در پاسخ باید گفت، به طور کلی اثرات ناشی از بحران مالی بر جریان ورودی سرمایه در کشورها به نوع کشور و منطقه جغرافیایی قرارگیری کشور بستگی دارد. در این زمینه می‌توان اذعان داشت که هر چند کشورهای توسعه یافته مسبب کاهش FDI در سال ۲۰۰۹، بوده و هستند بر خلاف سال ۲۰۰۸ در سال ۲۰۰۹ جریان FDI کاهش حدود ۶۰ درصدی را تجربه

خواهد کرد، اما نقش کشورهای در حال توسعه و اقتصادهای در حال گذار در روند نزولی FDI بی تأثیر نبوده است. در کل پیش‌بینی شده کاهش سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی برای کشورهای در حال توسعه، معادل ۲۵ درصد و برای اقتصادهای در حال گذار ۴۰ درصد باشد.

بررسی‌های انجام گرفته حاکی از کاهش بیشتر جریان ورودی FDI در ۱۷ کشور جهان (مثل آمریکا، کانادا، فنلاند، نروژ و ...) در مقایسه با سایر کشورها بوده است.

بر اساس نمودار (۳)، جریان‌های خروجی FDI، در دوره مورد بررسی، روندی نوسانی داشته است؛ به گونه‌ای که، میزان آن از ۳۶۱ میلیارد دلار در سه ماه ابتدایی سال ۲۰۰۸ به ۲۲۰ میلیارد دلار در سه ماه سوم سال ۲۰۰۸، کاهش یافته، اما در سه ماه پایانی این سال با اندکی بهبود به ۲۳۸ میلیارد دلار رسید. در نهایت در فصل اول سال ۲۰۰۹ جریان خروج سرمایه به شدت کاهش یافت و به رقم ۱۵۵ میلیارد دلار رسید. در مجموع می‌توان گفت، این میزان در سه ماه ابتدایی سال ۲۰۰۹ نسبت به مدت مشابه سال گذشته معادل ۵۷ درصد کاهش داشته و در مقایسه با سه ماه پایانی سال ۲۰۰۸، حدود ۳۵ درصد کاهش داشته است. به جز کاهش دستیابی به منابع مالی جهت تأمین مالی، افت بازدهی ناشی از سرمایه‌گذاری و افزایش مخاطرات سرمایه‌گذاری نیز از جمله عوامل مؤثر بر کاهش جریان خروجی FDI هستند که در سال ۲۰۰۸ جریان خروجی سرمایه جهانی نسبت به سال قبل از آن، ۲۰ درصد کاهش یافته و انتظار می‌رود که این کاهش در سال ۲۰۰۹ بیشتر باشد.



نمودار (۳) جریان‌های خروجی سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در جهان به صورت فصلی در سالهای ۲۰۰۸ و ۲۰۰۹

منبع: آتکناد  $TDI/TN^C$  (2009)

#### ۴- روند اخیر سرمایه گذاری مستقیم خارجی در کشورهای OECD

جریانهای ورودی سرمایه گذاری مستقیم خارجی در کشورهای OECD در نیمه دوم سال ۲۰۰۵، به میزان ۳۷۹ میلیارد دلار آمریکا تخمین زده شد که به بالاترین سطح خود از سال ۲۰۰۰ رسیده‌اند. جریانهای خروجی به ۴۰۱ میلیارد در نیمه دوم سال ۲۰۰۵ رسید که از سطح پایین در نیمه سال گذشته بالاتر رفته است، اما در سطح قابل مقایسه‌ای با آنچه که در سالهای قبل ثبت شده بود، باقی ماند. بوسیله اطلاعات در مورد فقط دو کشوری که کل جریانهای ورودی OECD را برای سال ۲۰۰۵ از دست داده بودند، در حدود ۵۸۴ میلیارد دلار تخمین زده شده که با توجه به استانداردهای گذشته بالا است. جریانهای خروجی کلی در حدود ۶۹۶ میلیارد دلار است که تنزلی بااهمیت نسبت به سال ۲۰۰۴ داشته است. کشورهای OECD، صادرکننده خالص اصلی سرمایه سرمایه گذاری مستقیم بوده‌اند. در سال ۲۰۰۵، جریانهای خروجی خالص در سطح ۱۱۲ میلیارد دلار باقی ماند. این پایین تر از جریانهای خروجی خالص بالای تاریخی ۲۹۴ میلیارد دلار آمریکا در سال ۲۰۰۴ بوده است ولی هنوز به میزان زیادی قابل مقایسه با ارقام دهه قبلی است.

بزرگترین دریافت کنندگان انفرادی ورودی FDI در نیمه دوم سال ۲۰۰۵، انگلستان و آمریکا بوده‌اند (جدول ۱). انگلستان، که قبلاً جریانهای ورودی FDI قوی را در نیمه اول سال ثبت نموده است، ۱۱۲ میلیارد دلار اضافی را در نیمه دوم سال ۲۰۰۵ جذب نمود. این در میان دیگر چیزها نشان دهنده ادغام‌های بین مرزی و فراگیری مهم است. در جایگاه سوم، هلند ۲۹ میلیارد دلار آمریکا را در نیمه دوم سال دریافت نمود که به دنبالش فرانسه (۲۴ میلیارد دلار) و کانادا (۲۳ میلیارد دلار) حرکت نمودند.

جدول (۱) ورودی سرمایه گذاری مستقیم خارجی در برخی از کشورهای OECD (میلیون دلار)

کشور	۲۰۰۳	۲۰۰۴	۲۰۰۵	Q:۲۰۰۵	Q:۲۰۰۵	Q:۲۰۰۵	Q:۲۰۰۵
اتریش	۷.۱	۴	..	۱.۳	۲.۲	۱	..
بلژیک	۳۳.۴	۴۲.۱	۲۳.۷	۷.۳	۶.۷	۱.۲	۱۶.۵
سوئیس	۱۶.۶	۰.۷	..	-۱.۴	۲.۳	۱.۵	..
آلمان	۲۶.۹	۶۵.۱	۳۲.۶	۳.۹	۷.۵	۱.۱	۱۹.۶
دانمارک	۲.۹	-۹.۳	۵	۰.۲	۶	۱.۹	۳.۷
اسپانیا	۲۵.۹	۱۶.۷	۱۸.۸	۵.۶	۱.۹	۴	۷.۲
فنلاند	۳.۳	۳.۵	۴.۶	۲.۷	۰	۱.۲	۰.۸
فرانسه	۴۲.۵	۲۴.۳	۴۹.۸	۱۴.۱	۱۱.۶	۱۱.۷	۱۲.۵
انگلستان	۲۷.۴	۷۷.۷	۱۶۴.۵	۲۸.۳	۳۲.۳	۱۱۴.۸	۴.۵
ایتالیا	۱۶.۴	۱۶.۸	۱۵.۷	۳.۳	۲.۸	۲	۷.۵
هلند	۲۱.۷	۰.۴	۴۰.۸	۱	۱۰.۵	۱۹.۵	۹.۲
سوئد	۵	۱۲.۶	۱۳.۷	۵	۰.۲	۳.۴	۵.۱
کل	۴۴۶.۵	۶۸۸	۵۸۳.۵	۱۴۸	۵۵	۲۲۸	..

منبع: پایگاه اطلاعات سرمایه گذاری مستقیم بین المللی OECD؛ شاخص های اقتصادی اصلی و منابع ملی

آمارهای تراز پرداختهای OECD و آمارهای سرمایه گذاری بین المللی OECD که میان رقم های سالانه و ربع سال می تواند تفاوت وجود داشته باشد. کل سالانه سال ۲۰۰۵ با استفاده از برون یابی ارقام Q:۲۰۰۵ برای اتریش و سوئیس تخمین زده شد. سرمایه گذاریهای خروجی خاص کشور در نیمه دوم سال ۲۰۰۵، برای تفسیر مشکل هستند که بدلیل غیر طبیعی بودن اطلاعات دوجانبه است. جریانهای خروجی ایالات متحده به شدت در نیمه دوم سال منفی شد که نشان دهنده تغییرات در مالیات بندی شرکت است که شرکت های چندملیتی آمریکایی را تحریک به بیرون کشیدن میزانهای زیادی از سرمایه از وابستگان خارجیشان می نماید. بالعکس، جریانهای خروجی هلند در نیمه دوم سال ۲۰۰۵ زیاد بودند که بدلیل طبقه بندی مجدد یک معامله بزرگ درون تراز پرداختها بود. با نگاه به ماورای آن، بزرگترین سرمایه گذار خروجی در نیمه دوم سال، فرانسه (۶۷ میلیارد دلار) و سپس انگلستان (۴۵ میلیارد دلار) و ایتالیا (۳۲ میلیارد دلار) بودند. در جایگاه چهارم، ژاپن که یک سرمایه گذار خروجی بزرگ به خاطر مازاد حساب جاری خویش است، جریانهای خروجی سرمایه گذاری مستقیم در حدود ۲۷ میلیارد دلار آمریکا را در نیمه دوم سال ۲۰۰۵ ثبت نمود.

جدول (۲) خروجی سرمایه گذاری مستقیم خارجی در برخی از کشورهای OECD (میلیون دلار)

کشور	۲۰۰۳	۲۰۰۴	۲۰۰۵	Q:۲۰۰۵	Q:۲۰۰۵	Q:۲۰۰۵	Q:۲۰۰۵
اتریش	۶.۸	۷.۳	..	۱.۹	۲.۳	۱.۵	..
بلژیک	۳۶.۹	۳۳.۵	۲۲.۹	۴.۵	۸	۷.۱	۳.۵
سوئیس	۱۵.۱	۱۴.۷	..	۶.۴	۱۲.۶	۱۰.۳	..
آلمان	۳.۶	۱.۹	۴۵.۶	۲۱.۱	۹	۲۱.۶	۴.۸
دانمارک	۱.۳	۱۰.۲	۷.۹	۳	۵.۳	۱.۵	۱.۱
اسپانیا	۲۳.۶	۴۹.۵	۳۲	۱۱.۹	۳.۳	۷.۵	۹.۵
فنلاند	۴.۶	۱.۱	۲.۷	۳.۱	۰.۳	۰.۱	۰.۶
فرانسه	۵۳.۲	۴۷.۸	۹۹.۲	۲۳.۸	۱۹.۸	۷.۳	۴۷.۲
انگلستان	۶۶.۷	۹۶.۳	۱۰۱.۱	۴۵.۹	۲۱.۲	۱۰.۳	۲۴.۳
ایتالیا	۹.۱	۱۹.۳	۴۱.۳	۴.۹	۵.۱	۳.۳	۲۷
هلند	۳۷.۸	۱۷.۳	۱۲۳.۱	۲.۶	۱۰۷.۳	۵.۵	۱۰.۴
سوئد	۲۱.۳	۲۱	۲۶	۹.۵	۴.۷	۷.۸	۴.۴
کل	۵۹۶.۹	۷۸۲	۶۹۵.۸	۲۰۴	۲۱۷	۸۸	..

منبع: پایگاه اطلاعات سرمایه گذاری مستقیم بین‌المللی OECD؛ شاخص‌های اقتصادی اصلی و منابع ملی.

آمارهای تراز پرداختهای OECD و آمارهای سرمایه گذاری بین‌المللی OECD که میان رقم‌های سالانه و ربع سال می‌تواند تفاوت وجود داشته باشد. کل سالانه سال ۲۰۰۵ با استفاده از برون‌یابی ارقام Q:۲۰۰۵ برای اتریش و سوئیس تخمین زده شد.

### ۵- سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی و تجارت

تجارت، دادوستد و یا معامله بین اشخاص حقیقی یا حقوقی و یا سازمان‌ها می‌باشد که در آن کالاها یا خدمات به شکل دو یا چند جانبه مبادله می‌گردد و منظور از تجارت خارجی ارتباطات تجاری بین کشورهای جهان می‌باشد که دو بعد صادرات کالاها و خدمات و واردات کالاها و خدمات را شامل می‌شود. با افزایش سرمایه گذاری خارجی و راه‌اندازی کارخانجات مختلف حجم تولیدات افزایش یافته و ضمن اینکه نیاز کشور به واردات آن کالای خاص مرتفع می‌شود می‌توان مازاد تولید را نیز به کشورهای دیگر صادر نمود. شرکت‌های سرمایه‌گذار می‌توانند دسترسی به بازارهای صادراتی برای کالاها و برخی از خدمات که هم‌اکنون در کشور میزبان تولید می‌شود را به وجود آورند و به آنان کمک کنند که از بازارهای داخلی به بازارهای بین‌المللی روی آورند و آنان را به وادی فعالیت‌های جدید بکشانند (موسوی، قانعی، ۱۳۸۵).

واضح است هر چه حجم مبادلات کشورها بیشتر باشد، میزان ارتباط و وابستگی میان آن‌ها افزایش یافته و ادغام اقتصاد و جهانی شدن ساده تر خواهد شد. براساس نظریه‌های اقتصادی، برقراری تجارت آزاد منجر به شکل‌گیری نظام تولیدی کشورها بر پایه مزیت نسبی شده و به تبع آن از منابع موجود به نحو مؤثرتری استفاده خواهد شد (نظری، بازرگانی کیا، ۱۳۸۳).

ترکیب صادرات اگر به گونه‌ای باشد که از هر واحد صادرات ارزش افزوده بالاتری به صورت ارز وارد کشور شود و نیز هر چقدر در ترکیب واردات کالاها و خدماتی که وارد یک کشور می‌شود بتواند در تشکیل سرمایه گذاری‌ها و به‌ویژه سرمایه‌گذاری تولیدی، کاربرد داشته باشد، بر اقتصاد یک کشور می‌تواند تأثیرات مثبت زیادی بگذارد. هر چه تجارت خارجی در رونق بیشتری قرار داشته باشد روابط تجاری پویاتری می‌تواند شکل بگیرد.

#### ۶ - رابطه تجارت خارجی با سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی

در اواخر دهه ۱۹۶۰، برخی از کشورهای در حال توسعه آسیا به گونه‌ای موفقیت‌آمیز از سرمایه‌گذاری مستقیم بنگاه‌های خارجی به سود استراتژی رشد مبتنی بر صادرات بهره بردند. در نتیجه کشورهای بیشتری در جهان تشخیص دادند که فواید خالص سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی برای کشور میزبان، بیشتر تابعی از سیاست‌های دولت و ظرفیت جذب این نوع سرمایه‌گذاری در کشور بوده تا متأثر از استراتژی شرکت‌های سرمایه‌گذار خارجی باشد. از این رو، سیاست‌گذاران در کشورهای در حال توسعه به این حقیقت پی بردند که با در پیش گرفتن سیاست‌های معقول و مناسب تجاری، سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی می‌تواند ابزار مفیدی برای رشد صادرات کشور میزبان باشد (سباستین، ۱۹۹۳).<sup>۱</sup>

تأثیر سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی بر تجارت کشورهای میزبان، بستگی به شرایط محیطی ایجاد شده، بر اساس نوع استراتژی توسعه اتخاذ شده دارد. اساساً کشورهایی که راهبرد جایگزینی واردات را در پیش می‌گیرند، از مزیت نسبی در بخش‌های سرمایه‌برخوردار نیستند، لذا با توجه به این که سرمایه‌گذاری خارجی بیشتر در بخش‌های سرمایه‌بر استفاده می‌شود. از این رو، سرمایه‌گذاری خارجی اثر لازم را بر رشد اقتصادی نمی‌گذارند. از طرفی، سرمایه‌گذاری خارجی راهی برای ورود بنگاه‌های خارجی برای فعالیت اقتصادی در کشور دریافت‌کننده سرمایه‌گذاری خارجی است که این امر با اهداف راهبرد جایگزینی واردات در تضاد است.

۱ - Sebastian

اما در خصوص راهبرد توسعه صادرات، وضعیت فرق می‌کند. تحت این راهبرد، با توجه به نیروی کار و مواد اولیه ارزان این گونه کشورها، سرمایه‌گذاران خارجی برای استفاده از این نهاده‌های ارزان انگیزه بیشتری برای سرمایه‌گذاری دارند. از طرف دیگر، وقتی راهبرد توسعه صادرات حاکم است، بازار محصول داخلی محدود به مرزهای داخلی کشور مزبور نیست، بلکه فراتر از بازار داخلی و در سطح بین‌المللی، از مقیاس بزرگ اقتصادی استفاده می‌کند (باوری و سعادت، ۱۳۸۴).

سرمایه‌گذاری خارجی و ایجاد شرایط مطلوب برای جذب آن، از اهرم‌های مهم توسعه صادرات است. به عبارت دیگر، اجرای رویکرد توسعه صادرات در عمل، نیازمند مشارکت سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی از طرف شرکت‌های چندملیتی، در زمینه انتقال دانش فنی، مهارت‌های مدیریت و بازاریابی می‌باشد. جذب سرمایه خارجی برای اغلب رهروان توسعه صادرات، موفقیت محسوب می‌شود. آنان سرمایه‌گذاری خارجی را نه حلقه‌های وابستگی، بلکه حلقه‌های تولید و اقتصاد می‌شمارند و معمولاً به چهار طریق، شرایط مناسب برای سرمایه‌گذاری خارجی را فراهم می‌آورند: (۱) حمایت در برابر خطرات غیر تجاری، (۲) امکان خروج آزاد سرمایه، (۳) معافیت‌های گمرکی برای واردات کالاهای سرمایه‌ای، واسطه‌ای و مواد خام مورد نیاز صنایع صادراتی و (۴) سایر مشوق‌های مالی (اخوی، ۱۳۷۳).

از سوی دیگر، اجرای سیاست توسعه صادرات، نیاز به وجود دانش فنی بالا در کشور دارد. به دلیل عدم وجود دانش فنی بالا در کشورهای درحال توسعه، این کشورها به صادرات مواد اولیه مشغول‌اند. سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی به این کشورها کمک می‌کند که سطح دانش فنی خود را ارتقاء داده و ترکیب صادرات خود را دگرگون کرده و به جای صادرات مواد اولیه به صادرات تولیدات صنعتی بپردازند، که این درآمد زیادی را نصیب این کشورها می‌کند.

بنابراین در مجموع، راهبرد جایگزینی واردات (راهبرد درون‌گرایی) برای جذب و هدایت سرمایه‌گذاری خارجی مستعد به نظر نمی‌رسد، در صورتی که راهبرد توسعه صادرات (راهبرد برون‌گرایی)، شرایط و فضای مناسب را برای جذب و تشویق سرمایه‌گذاری خارجی را دارد.

## ۷ - مطالعات تجربی

طیبه، آذربایجانی و رفعت (۱۳۸۶)، در مقاله‌ای تحت عنوان "بررسی رابطه جریان تجاری و سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی" به بررسی اثر جریان‌های تجاری بر FDI با بکارگیری روش‌های اقتصادسنجی، در گروه‌های منتخبی از کشورها در طول دوره ۲۰۰۵-۱۹۹۶ می‌پردازند. آنها در مقاله خود به ارتباط مکملی بین جریان

تجاری و FDI پی بردند که وجود این ارتباط مکمل در ادبیات تجارت بین‌المللی بسیار اهمیت دارد، زیرا امروزه با گسترش جریان‌های تجاری به ویژه از طریق یکپارچگی‌ها و ادغام‌های مختلف اقتصادی بین کشورهای مختلف شکل می‌گیرد. شکل‌گیری این یکپارچگی‌ها و ادغام‌های اقتصادی منجر به کاهش انگیزه در نتیجه سطح سرمایه‌گذاری خارجی در کشورهای عضو نشده و نتایج نشان دهنده افزایش سرمایه‌گذاری خارجی در نتیجه افزایش جریان تجاری بود. آنها دریافتند که علاوه بر تجارت، تولید ناخالص داخلی، نرخ ارز و برخی متغیرهای همگرایی نیز از جمله عواملی‌اند که دارای اثر معنی‌داری بر جذب سرمایه‌گذاری خارجی در این گروه‌ها و در طول دوره مورد مطالعه بوده‌اند.

هدایتی (۱۳۷۷)، در مطالعه‌ای با عنوان "اثر سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی بر رشد صادرات کشورهای صادرکننده نفت گروه D<sub>8</sub>"، اثر سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی بر صادرات غیر نفتی و صادرات نفتی کشورهای صادرکننده نفت گروه D<sub>8</sub> (اندونزی، ایران، مالزی، مصر و نیجریه)، را با استفاده از روش داده‌های ترکیبی طی سال‌های ۱۹۸۱ تا ۱۹۹۵ مورد آزمون قرار داده است. وی اشاره می‌کند که اندونزی و مالزی با متمایل شدن به استراتژی توسعه صادرات و جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی، توانسته‌اند محصولات صادراتی خویش را متنوع سازند و سهم صادرات کالاهای صنعتی و کارخانه‌ای را افزایش دهند. اما اقتصادهای ایران و نیجریه همچنان وابستگی شدیدی به صادرات نفت دارند و عمده صادرات کشور مصر نیز کالاهای سنتی و مواد خام می‌باشد. در این مطالعه، ابتدا نظریه مک دوگال و سپس نظریه عمومی سازمان تجارت جهانی در قالب یک مدل تجربی با استفاده از داده‌های آماری سال‌های ۱۹۸۱ تا ۱۹۹۵ مورد آزمون قرار گرفته‌اند. آزمون نظریه مک دوگال نشان داد که دارای نتایج نسبتاً خوبی است و به سرمایه‌گذاری‌های دیگر و عوامل مؤثر و مرتبط با سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی توجهی ندارد. بنابراین جهت رفع این نقایص، نظریه عمومی سازمان تجارت جهانی در قالب ۳ مدل تجربی یعنی مدل رشد صادرات کل، مدل رشد صادرات غیر نفتی و مدل رشد صادرات نفتی برآورد شده است. بررسی مدل تجربی رشد صادرات کل نشان داد که سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی اثر مثبت بر رشد صادرات کل کشورهای صادرکننده نفت گروه D<sub>8</sub> دارد. همچنین آزمون مدل تجربی رشد صادرات غیر نفتی نیز نشان داد که سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی اثر مثبتی بر رشد صادرات غیر نفتی کشورهای فوق‌الذکر دارد. آزمون مدل تجربی رشد صادرات نفتی، اثر منفی سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی بر صادرات نفتی این کشورها را نشان داد.



ماگالاس و افریکانو (۲۰۰۷)<sup>۱</sup>، در مقاله‌ای تحت عنوان "یک تحلیل داده‌های تابلویی از اثر سرمایه گذاری مستقیم خارجی بر تجارت بین‌المللی" به بررسی ارتباط بین تجارت بین‌المللی و FDI به ویژه، ارتباط بین موجودی جریان ورودی و خروجی FDI و صادرات و واردات در اقتصاد پرتغال با استفاده از یک الگوی کشورهای سازمان توسعه و همکاری‌های اقتصادی به علاوه برزیل می‌پردازند. در تحلیل تجربی از معادله جاذبه معینی به صورت داده‌های تابلویی، مشاهدات سالانه صادرات و واردات پرتغال به ۲۸ کشور در دوره ۴۰۰۰ تا ۱۹۹۵ استفاده کردند. در مقاله خود عنوان می‌کنند که یک ارتباط مکملی بین جریان ورودی FDI و تجارت یافتند. این روش به طور جداگانه‌ای برای واردات و صادرات بکار می‌رود و نشان می‌دهد که ارتباط مثبت و معنی دار و از لحاظ ارزش مشابه، بین موجودی جریان ورودی FDI وجود دارد و سرمایه گذاری‌های خارجی در اقتصاد پرتغال اثر خنثی بر تراز تجاری دارد. البته کل این نتایج ممکن است وضعیت‌های متقابل را در سطوح پایین تر اجتماع مخفی نماید که در آن اثرات تراز تجاری مثبت در برخی بخش‌ها، اثرات تراز تجاری منفی در دیگر بخش‌ها را از بین می‌برد. یعنی FDI عمودی وابسته با ارزش افزوده بالا، ممکن است اثر بزرگتری بر صادرات نسبت به واردات داشته باشد. در مقابل، سرمایه گذاری‌های خارجی با ارزش افزوده اندک ممکن است ارزشهای بالایی از واردات واسطه‌ای ایجاد نماید که اثری منفی بر تراز تجاری داشته باشد. سرمایه گذاری‌های پرتغال در خارج اثری بر تجارت نداشته، چنین سرمایه گذاری‌هایی از لحاظ ارزش کم بوده و تا حد زیادی فقط در دو بازار اسپانیا و برزیل متمرکز می‌باشد.

کوه، پوح، لو، ابومنصور (۲۰۰۷)<sup>۲</sup>، در مقاله‌ای تحت عنوان "ارتباط سرمایه گذاری مستقیم خارجی تجارت: تحلیل تجربی بر روی آسه آن ۵" به بررسی ارتباط بین FDI، صادرات و واردات در میان کشورهای آسه آن ۵ از دیدگاه ارتباط علت و معلولی با استفاده از روش آزمون الگوی پویای خود رگرسیون با وقفه‌های توزیعی (ARDL) می‌پردازند. برای افزایش رقابت بین‌المللی این کشورها لازم است که FDI جانشین تجارت و یا دارای حمایت دوجانبه باشد. آنها در مقاله خود عنوان کردند که رابطه‌ای مثبت بین FDI و واردات در بلندمدت وجود دارد ولی واردات تمایل به جانشینی FDI در کوتاه مدت دارد. از سوی دیگر، صادرات گرایش به جانشینی FDI در بلندمدت داشته ولی مکمل FDI در کوتاه مدت است و آنها دریافتند که شرکتهای چند ملیتی می‌توانند از هزینه تولید پایین تر برخوردار باشند و فعالیت تجاری را به دلیل سطح تولید فزاینده، افزایش

۱ Magalhaes, M., Africano, A. P

۲ Kueh, J. H., Puah, C. H., Lau, E., Abu Mansor, S

دهند. اثرات سرریزی در شکل جذب تکنولوژی و مهارت‌های مدیریت به توسعه تولید در کشورهای آسه آن-۵ کمک نموده و فعالیت‌های تجاری در منطقه را تحریک می‌نمایند. تلاش مداوم و اندازه‌گیری‌هایی که توسط کشورهای آسه آن ۵ در جذب FDI انجام شده، موجب تحریک رشد تجارت می‌گردد و بسیاری مطالعات دیگر از جمله مطالعه آیزنمن و نوی (۲۰۰۶)<sup>۱</sup>، افریکانو و ماگالاس (۲۰۰۵)<sup>۲</sup>، روتمولر (۲۰۰۳)<sup>۳</sup>، لیو و همکاران (۲۰۰۱)<sup>۴</sup>، رایبو و مونوز (۱۹۹۹)<sup>۵</sup>، ویلامسکی و تینکلر (۱۹۹۹)<sup>۶</sup>، لیو و گراهام (۱۹۹۸)<sup>۷</sup>، بایوسی و لپ وورت (۱۹۹۷)<sup>۸</sup> و ... در زمینه سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی و تجارت انجام شده است.

### ۸-ارایه الگو

هدف ما، تخمین ارتباط بین FDI و تجارت در بخش صنعت اقتصاد کشورهای عضو OECD و شرکای آنها است، در تحلیل تجربی از مدل جاذبه معینی در داده‌های تابلویی مشاهدات سالانه صادرات و واردات این کشورها (۳۶ کشور) به صورت متقابل یا دوجانبه در یک دوره ۸ ساله (۲۰۰۷-۲۰۰۰) استفاده می‌گردد. معادله جاذبه که تخمین زده خواهد شد به صورت ذیل است:

$$T_{ij} = \beta_0 + \beta_1 GDP_i + \beta_2 GDP_j + \beta_3 POP_i + \beta_4 POP_j + \beta_5 Dist_{ij} + \beta_6 Bord_{ij} + \beta_7 OECD_{ij} + \beta_8 FDI_{in_{ij}} + \beta_9 FDI_{out_{ij}} + U_{ijt} \quad ?$$

برای  $t=1, \dots, T$  و  $i, j=1, \dots, N$  که  $T_{ij}$  جریان تجاری از کشور  $i$  به کشور  $j$  است،  $GDP_i$  تولید ناخالص داخلی بخش صنعت کشور  $i$  است،  $GDP_j$  تولید ناخالص داخلی بخش صنعت کشور  $j$  است و  $Dist_{ij}$  مسافت جغرافیایی بین پایتخت‌ها می‌باشد. تولید ناخالص داخلی بخش صنعت اندازه بازار را بدست آورده و انتظار می‌رود که اثر مثبت بر تجارت بین جفت کشورها داشته باشد درحالی‌که مسافت جانشین هزینه‌های حمل و نقل بوده و اثری منفی دارد. همچنین وجود مرز مشترک ( $Brod_{ij}$ ) به عنوان نزول دهنده هزینه‌های معامله دیده شد

۱ -Aizenman, J., Noy, I.

۲-Africano, A. P., Magalhaes, M

۳ Rothmuller, L

۴- Liu, et al

۵-Rubio, O. B., Munoz, M. M

۶-Wilamoski & Tinkle

۷ -Liu & Graham

۸ Bayouci & Lipwort

و از تجارت طرفداری می نماید.  $FDI_{in,ij}$  بخش صنعت، موجودی FDI بخش صنعت کشور  $j$  در کشور  $i$  (OECD) و  $FDI_{out,ij}$  بخش صنعت، موجودی FDI بخش صنعت کشور  $i$  (OECD) در کشور  $j$  است. به عبارت دیگر ما از یک مدل دو طرفه (جاذبه) استفاده می کنیم که یک اثر ویژگی زمان ( $\theta_1$ ) و یک اثر ویژگی کشور ( $\beta_1$ ) را شرکت می دهد.  $U_{ijt}$  خطاهای وابسته به حالت ویژگی یا اختلالات وابسته به ویژگی هستند چرا که آنها در بین  $t$  و همینطور  $i$  تغییر می کنند. همه متغیرها به جز متغیرهای مجازی به صورت لگاریتم هستند و به دلیل اینکه مدل، لگاریتم خطی شده است، مسئله با ارزش های صفر یا منفی ظاهر می شود. برای اینکه از این مسئله اجتناب کنیم متغیر موجودی FDI را تبدیل می کنیم. این مطالعه از موجودی FDI استفاده می کند که در ارتباط با گنجایش FDI جایگزین، چندین مزیت دارد. اول اینکه متغیر موجودی باعث جلوگیری از ایجاد هم خطی بین متغیرهای مستقل بین تجارت و جریانهای سرمایه گذاری می شود، معلوم است که چنین جریانهایی بطور همزمان تحت تاثیر متغیرهای اقتصادی مشابه است. دوم اینکه، چنین روشی صحیح تر است زیرا جریانهای FDI اثری بر تجارت با یک وقفه زمانی دارد. بنابراین موجودی های مورد استفاده قادر به جمع آوری این اثرات وقفه دار است که با جریانهای امکان پذیر نیست. سوم اینکه موجودی FDI اندازه گیری دقیق تری از سرمایه گذاری خارجی در اقتصاد به ما می دهد تا آن اندازه که موجب تسهیل جریانهای تجاری شده و یا مانع آن می گردد. به دلیل اینکه تاثیرات انفرادی در مدل وجود دارد، باید تصمیم بگیریم که با آنها به عنوان اثرات ثابت<sup>۱</sup> و یا تصادفی<sup>۲</sup> رفتار گردد. اگر  $\beta_1$  به عنوان متغیر تصادفی در نظر گرفته شود آن وقت آنچه داریم مدل اثرات تصادفی نامیده می شود. در این مورد  $U_{ijt} \sim IID(0, \sigma_u^2)$ ،  $\mu_i \sim IID(0, \sigma_\mu^2)$  و  $\mu_j \sim IID(0, \sigma_\mu^2)$  مستقل از  $U_{ijt}$  هستند. به علاوه، متغیرهای توضیحی برای هر  $i$  و  $t$  مستقل از  $\beta_1$  و  $U_{ijt}$  هستند (Baltagi ۱۹۹۵)<sup>۳</sup>.

در غیر این صورت، اگر  $\beta_1$  به عنوان پارامترهای ثابت در نظر گرفته شوند تا تخمین زده و اختلالهای باقی مانده به صورت تصادفی بوده و با  $U_{ijt}$  مستقل و به صورت برابر توزیع شده  $IID(0, \sigma_u^2)$ ، آن وقت متغیرهای توضیحی برای همه  $i$  و  $t$  مستقل از  $U_{ijt}$  می باشد و در این مورد FE به کار برده می شود. ما یک FE دو طرفه و RE دو طرفه را تخمین می زنیم که همه متغیرها به استثنا متغیرهای مجازی، لگاریتمی می شوند. بعد از آن، هاسمن آماره  $\chi^2$  را برای آزمودن اثرات ثابت در مقابل اثرات تصادفی تعیین نماید.

۱- Fixed Effect

۲- Random Effect

۳- Baltagi

## ۹- برآورد الگو و ارائه نتایج

هنگامی که از داده‌های تابلویی برای تخمین استفاده می‌شود قبل از هر کار نیاز به گرفتن آزمون  $F_{Leamer}^1$  برای تشخیص نوع روش و نحوه برآورد است، اگر نتیجه آزمون بر استفاده از روش داده‌های تلفیقی<sup>۲</sup> باشد، تخمین مدل با روش داده‌های تلفیقی انجام می‌شود و اگر نتیجه آزمون بر استفاده از روش داده‌های تابلویی بود در ادامه کار از آزمون هاسمن<sup>۳</sup> برای تشخیص اثرات ثابت یا تصادفی بودن الگو استفاده خواهد شد.

آزمون F لیمر

در آزمون F لیمر، فرضیه  $H_0$  یکسان بودن عرض از مبدأها (داده‌های تلفیقی) در مقابل فرضیه مخالف  $H_1$ ، ناهمسانی عرض از مبدأها (روش داده‌های تابلویی) قرار می‌گیرد. لذا می‌توان نوشت:

$$H_0 : \alpha_1 = \alpha_2 = \dots = \alpha$$

حداقل یکی از عرض از مبدأها با بقیه متفاوت است:  $H_1$

اگر F محاسبه شده مربوط به آماره F لیمر از جدول با درجه آزادی  $(N-1)$  و  $(NT - N - K)$  بزرگتر باشد، فرضیه صفر رد شده و استفاده از روش داده‌های تابلویی بهتر است. در غیر این صورت از روش داده‌های تلفیقی (Pooling) استفاده می‌شود. پس برای گرفتن آزمون F لیمر ابتدا باید مدل را در قالب اثرات ثابت یا FE تخمین زد و نتایج آزمون را مشاهده کرد.

مقدار آماره F لیمر به دست آمده برابر با  $F(7, 3210) = 2465/12$  است که بزرگتر از F جدول می‌باشد. پس فرضیه صفر در سطح معناداری ۵ درصد رد و روش داده‌های تابلویی انتخاب می‌شود.  
آزمون هاسمن

در مرحله بعد به بررسی این موضوع پرداخته می‌شود که آیا عرض از مبدأ بصورت اثرات ثابت است یا اینکه در ساختار واحدهای مقطعی (کشورها) بصورت تصادفی عمل می‌کند. فروض ذیل مورد آزمون قرار می‌گیرد:

۱- FLeamer

۲- Pooling

۳- Hausman Test

$$H_0 : b = \hat{\beta}$$

$$H_1 : b \neq \hat{\beta}$$

آماره این آزمون که برای تشخیص ثابت یا تصادفی بودن تفاوت‌های واحدهای مقطعی است دارای توزیع کای دو با درجه آزادی برابر با تعداد متغیرهای مستقل (K) بوده و به صورت زیر محاسبه می‌شود:

$$W = X^2(k) = [b - \hat{\beta}] \Sigma^{-1} [b - \hat{\beta}]$$

که در آن:

$$\Sigma = \text{Var}[b - \hat{\beta}] = \text{Var}[b] - \text{Var}[\hat{\beta}]$$

آماره آزمون هاسمن با درجه آزادی برابر ۷ (هفت متغیر مستقل) برابر ۶۵۵/۵۱ بدست می‌آید که در مقایسه با مقدار جدول در سطح ۹۵ درصد فرضیه صفر آزمون هاسمن رد می‌شود و توجیه می‌شود که مدل مناسب، مدل مبتنی بر الگوی اثرات تصادفی می‌باشد.

#### ۱۰ - تحلیل نتایج

همانطور که در بخش‌های قبل به آن اشاره شد برای تعیین حالات مختلف مدل‌های داده‌های ترکیبی باید آزمون‌های متفاوتی انجام گیرد. بنابراین با رعایت انجام آزمون‌های مربوطه در نهایت مدل اثرات تصادفی (Random Effect) مورد قبول قرار گرفت که نتایج آن در جدول زیر خلاصه گردیده است.

جدول (۳) نتایج برآورد الگو با استفاده از مدل جاذبه و داده‌های تابلویی به روش تصادفی

متغیرهای مستقل	ضرائب متغیرها	برآورد ضرائب	انحراف معیار	آماره Z	Prob
Constant	$\beta_0$	۱۸.۷۶۷۴۴	۰.۶۲۴۲۱۸۳	۳۰.۰۷	۰.۰۰۰
GDP <sub>i</sub>	$\beta_1$	۱.۲۱۷۵۷۷	۰.۰۳۳۳۴۸۳	۳۶.۵۱	۰.۰۰۰
GDP <sub>j</sub>	$\beta_2$	۱.۰۳۳۱۸۱	۰.۰۲۹۵۷۰۴	۳۴.۹۴	۰.۰۰۰
POP <sub>i</sub>	$\beta_3$	۰.۳۵۳۹۴۳۷	۰.۰۴۷۳۴۲۶	۷.۴۸	۰.۰۰۰
POP <sub>j</sub>	$\beta_4$	۰.۴۹۰۷۶۵۶	۰.۰۴۱۵۵۶۷	۱۱.۸۱	۰.۰۰۰
Dist <sub>ij</sub>	$\beta_5$	-۰.۵۷۵۲۴۹	۰.۰۶۲۲۵۶	-۹.۲۵	۰.۰۰۰
Bord <sub>ij</sub>	$\beta_6$	۰.۵۹۰۹۵۵۱	۰.۱۵۸۳۸۵۴	۳.۷۳	۰.۰۰۰
OECD	$\beta_7$	۰.۵۳۶۸۶۹۳	۰.۱۳۸۹۱۸۳	۳.۸۶	۰.۰۰۰
FDlin <sub>ij</sub>	$\beta_8$	۰.۰۴۹۱۰۶۴	۰.۰۰۷۰۹۴۸	۶.۹۲	۰.۰۰۰
FDIout <sub>ij</sub>	$\beta_9$	۰.۰۳۶۱۶۷۴	۰.۰۰۶۷۳۶۸	۵.۳۷	۰.۰۰۰

منبع: یافته‌های تحقیق و محاسبات پژوهشگر

با توجه به بحث‌های قبلی که انتظار بر آن بود رابطه سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی با جریان‌های تجاری رابطه‌ای مثبت باشد، نتایج به دست آمده از برآورد مدل نیز این ادعا را تأیید می‌کند. همانطور که از جدول برآورد مشاهده می‌شود سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی بخش صنعت در سطح ۹۵ درصد اطمینان با جریان‌های تجاری بخش صنعت رابطه مثبت و معنی‌داری دارد و مقدار ضریب آن یعنی  $\beta_8$  و  $\beta_9$  (برای  $FDI_{in,ij}$  بخش صنعت، موجودی  $FDI$  بخش صنعت کشور  $i$  (OECD) و  $FDI_{out,ij}$  بخش صنعت، موجودی  $FDI$  بخش صنعت کشور  $i$  (OECD) در کشور  $j$  است) به ترتیب برابر با  $0.0491064$  و  $0.0361674$  می‌باشد، به این معنا که با یک درصد افزایش در  $FDI_{in,ij}$  و  $FDI_{out,ij}$  در جریان‌های تجاری بخش صنعت کشور میزبان تقریباً به اندازه  $0.05$  درصد و  $0.04$  درصد افزایش دارد. همچنین اثر دیگر متغیرهای مهم از جمله  $GDP_i$  و  $GDP_j$  (تولید ناخالص داخلی بخش صنعت کشورهای  $i$  و  $j$ ) در سطح ۹۵ درصد اطمینان دارای رابطه‌ای مثبت و معنی‌دار بوده، که ضریب آن‌ها به ترتیب  $1/217577$  و  $0.33181$  می‌باشد، به این معنا که با یک درصد افزایش در  $GDP_i$  و  $GDP_j$  جریان‌های تجاری بخش صنعت تقریباً به ترتیب  $1.22$  درصد و  $1.03$  درصد افزایش می‌یابد. سایر متغیرها به جز متغیر  $Dist_{ij}$  که رابطه‌ای منفی و معنی‌داری با جریان‌های تجاری بخش صنعت دارد (به این معنا که هر چه فاصله کشورها با هم بیشتر باشد احتمال اینکه رابطه‌ای تجاری کمتر بین دو کشور صورت گیرد بیشتر است)، دارای رابطه‌ای مثبت و معنی‌داری در سطح ۹۵ درصد اطمینان با جریان‌های تجاری بخش صنعت می‌باشند.

زیاد بودن مشاهدات در این مطالعه مزیتی قوی از نظر آماری بوده و به همین خاطر همه متغیرها در سطح ۹۵ درصد اطمینان معنی‌دار برآورد شده است.

### ۱۱- نتیجه‌گیری و پیشنهادها

با توجه به وجود بحران این دهه در بسیاری از کشورها از جمله کشورهای OECD کاهش سرمایه‌گذاری مستقیم را داشته، اما این دلیلی بر مفید نبودن آن در این دهه نیست، زیرا در دوران بحران سرمایه‌گذاری‌های بسیار از کشورها تا حدی کمکی بسیار خوب برای کاهش شدت بحران بوده است. همچنین جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی به عنوان ابزاری که می‌تواند با انتقال فناوری تولید، مدیریت و مهارت‌های فنی، به پدید آمدن مزیت‌های نسبی در بخش خاصی کمک نماید و کیفیت، استاندارد و رقابت‌پذیری صادراتی را در آن بخش بهبود بخشد، به تازگی مورد توجه سیاست‌گذاران قرار گرفته است. از این رو، کشورهای میزبان برای افزایش توان رقابت‌پذیری صادراتی خود از شرکت‌های چند ملیتی که عامل اصلی سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی

هستند، استفاده می‌کنند، زیرا این شرکت‌ها عمدتاً نسبت به شرکت‌های داخلی علاوه بر برتری فناوری، از جایگاه بهتری برای ارتقای منابع، دانش و مهارت‌ها در سطح جهانی برخوردارند. فایده آمدن بر هزینه‌های بازاریابی در خارج، تأمین اطلاعات لازم، نام تجاری و دیگر سرمایه‌های مورد نیاز برای ایجاد فعالیت‌های صادراتی، از دیگر مزیت‌های آن‌ها به شمار می‌رود. در عین حال آن‌ها سریع‌تر می‌توانند خود را با تغییرات فناوری و نیازهای بازار تطبیق دهند.

نتایج به دست آمده در این مطالعه با توجه به فرضیه آن که رابطه سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی بخش صنعت با جریان‌های تجاری بخش صنعت را مثبت فرض کرده بود همچنین رابطه متغیرهای مهم دیگر از جمله درآمد ملی، جمعیت، هم‌مرزی و عضو بودن در OECD را با جریان‌های تجاری بخش صنعت، رابطه‌ای مثبت فرض کرده بود در نتایج برآورد شده با استفاده از داده‌های تابلویی در مدل جاذبه برای دوره زمانی ۲۰۰۷-۲۰۰۰ کشورهای OECD و شرکای آنها، فرضیه مورد نظر این مطالعه در سطح اطمینان ۹۵ درصد تأیید و معنی دار بوده است. به این معنی که رابطه سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی بخش صنعت با جریان‌های تجاری بخش صنعت رابطه‌ای مثبت می‌باشد، همچنین سایر متغیرها در سطح ۹۵ درصد اطمینان معنی‌دار بوده‌اند و فرضیه این مطالعه را تأیید نموده.

به طور کلی با توجه به اثر مثبت سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی بخش صنعت بر تجارت خارجی بخش صنعت در کشورهای مورد بررسی، به کشورهای در حال توسعه، از جمله ایران پیشنهاد می‌شود که به سیاست تأمین مالی از طریق این نوع سرمایه‌گذاری روی آورند و شرایط را برای ورود آن فراهم و تسهیل نمایند.

## فهرست منابع

- اخوی احمد، ۱۳۷۳، "تجارت بین الملل، استراتژی بازرگانی و توسعه اقتصادی"، مؤسسه بررسیها و پژوهشهای بازرگانی، تهران.
- بهکیش محمد مهدی، ۱۳۸۴، "اقتصاد ایران در بستر جهانی شدن"، نشر نی، چاپ سوم، تهران.
- بهنام مجتهدی ایرج، خرداد و تیر ۱۳۷۳، "شرکتهای چندملیتی در صحنه اقتصاد جهانی"، اطلاعات سیاسی و اقتصادی، شماره ۸۲، ۸۱ صفحات ۹۸-۱۰۷.
- داوودی پرویز، شاهمرادی اکبر، ۱۳۸۳، "بازشناسی عوامل مؤثر بر جذب سرمایه گذاری مستقیم خارجی در اقتصاد ایران و ۴۶ کشور جهان در چارچوب یک الگوی تلفیقی"، فصلنامه پژوهش های اقتصادی ایران، شماره ۲۰، صفحات ۱۱۳-۸۱.
- طیبی سید کمیل، آذربایجانی کریم، رفعت بتول، پاییز ۱۳۸۶، "بررسی رابطه جریان تجاری و سرمایه گذاری مستقیم خارجی (FDI)"، مجله تحقیقات اقتصادی، شماره ۸۰، صفحات ۲۲۰-۱۰۱.
- کریمی هسینجه حسین، ۱۳۸۲، "جهانی شدن، یکپارچگی اقتصادی و مناسب ترین ترتیبات تجاری، منطقه ای بر اقتصاد ایران (فرصت ها و چالش ها)"، پایان نامه دکتری، رشته اقتصاد، دانشگاه اصفهان.
- کمیجانی اکبر، عباسی منصوره، خرداد و تیر ۱۳۸۵، "تبیین نقش عوامل مؤثر بر جلب سرمایه مستقیم خارجی در ایران"، تحقیقات اقتصادی، شماره ۷۳، صفحات ۶۹-۱۰۵.
- ملکی مهران، ۱۳۸۲، "بررسی تأثیر سرمایه گذاری مستقیم خارجی بر رشد اقتصادی با تأکید بر کشورهای صادرکننده نفت"، پایان نامه کارشناسی ارشد علوم اقتصادی، دانشگاه تربیت مدرس.
- موسوی سید علیرضا، قائدی مهنوش، مهر ۱۳۸۵، "بررسی سرمایه گذاری مستقیم خارجی در ایران"، مجله تدبیر، شماره ۱۷۳.
- مهدوی ابوالقاسم، پاییز ۱۳۸۳، "تحلیلی بر نقش سرمایه گذاری خارجی در رشد اقتصادی"، تحقیقات اقتصادی، شماره ۶۶، صفحات ۴۰۸-۱۸۱.
- نظری محسن، بازرگانی کیا معصومه، بهار ۱۳۸۳، "بررسی اثر جهانی شدن بر صنایع نساجی، پوشاک و چرم"، مجله تحقیقات اقتصادی، شماره ۶۴، صفحات ۲۶-۱۰۳.
- هدایتی حاتم، ۱۳۷۷، "اثر سرمایه گذاری مستقیم خارجی بر رشد صادرات کشورهای صادرکننده نفت گروه D۸"، پایان نامه کارشناسی ارشد، رشته اقتصاد، دانشگاه علامه طباطبایی.



- یاوری کاظم، سعادت رحمان، پاییز ۱۳۸۴، "اثر سرمایه گذاری خارجی بر رشد اقتصادی ایران: راهبردهای جایگزینی واردات و توسعه صادرات"، فصلنامه پژوهشی دانشگاه امام صادق علیه السلام، شماره ۲۷.
- Africano, A. P., and Magalhaes, M., ۲۰۰۵, "FDI and Trade in Portugal: A Gravity Analysis", FEP Working Papers ۱۷۴.
- Aizenman, J., and Noy, I., ۲۰۰۶, "FDI and Trade Two Way Linkages?", The Quarterly Review of Economics and Finance, PP. ۳۱۷-۳۳۷.
- Baltagi, B. H., ۱۹۹۵, "Econometric Analysis of Panel Data", John Wiley & Sons Inc., New York, USA.
- Bayouci, T., and Lipwort, G., ۱۹۹۷, "Japanese Foreign Direct Investment and Regional Trade", IMF Working Paper, August.
- Berclay, L. A., ۲۰۰۰, "Foreign Direct Investment in Emerging Economies: Corporate Strategy and Investment Behavior in the Caribbean", Routledge, London and New York.
- Kueh, J. H., and Puah, C. H., and Lau, E., and Abu Mansor, S., ۲۰۰۷, "FDI – Trade Nexus: Empirical Analysis on ASEAN-۵", MPRA paper No. ۵۲۲۰.
- Liu, X., Wang, C., Wei, Y., ۲۰۰۱, "Causal Links Between Foreign Direct Investment and Trade in China", China Economic Review.
- Liu, L., and Graham, H., ۱۹۹۸, "The Relationship Between Trade and FDI: Results for Taiwan and South Korea", Working Paper.
- Magalhaes, M., and Africano, A. P., ۲۰۰۷, "A panel Analysis of the FDI Impact on International Trade", FEP Working Papers, ۲۳۵.
- Moosa, I., ۲۰۰۲, "On the Determinants of FDI: Evidence from East and Southeast Asia", World Development, No. ۲۱, PP. ۳۹۱-۴۰۶. Moosa, I., ۲۰۰۲, "Foreign Direct Investment, Theory, Evidence and Practice", London, Palgrave.
- Rothmuller, L., ۲۰۰۳, "Does FDI Matter for Trade in Brazil? An Application of the Gravity Model", No. CV۱. (<http://www.anpec.org.br/encontro/artigos>)

- Rubio, O. B., and Munoz, M. M., ۱۹۹۹, " Foreign Direct Investment and Trade: A Causality Analysis", PP. ۳۰۵-۳۲۳. (<http://www.springerlink.com/link.asp>)
- Sebastian, ۱۹۹۳, " Openness, Trade Liberalization, and Growth in Developing Countries", J. Econ. Lit, Sept, pp. ۱۳۷۳-۱۳۷۵.
- UNCTAD, ۲۰۰۹, " Transnational Corporations, Agricultural Production and Development", World Investment Report, United Nations Publication.
- UNCTAD, ۲۰۰۶, " FDI from Developing and Transition Economies: Implications for Development", World Investment Report, United Nations Publication.
- UNCTAD, ۲۰۰۵, " Transnational Corporations", Transnational Corporations Journal, United Nations Publication, Vol. ۱۴, No. ۳.
- Wilamoski, P., and Tinkler S., ۱۹۹۹, " The Trade Balance of U.S. Foreign Direct Investment in Mexico", Atlantic Economic Journal, Mar.
- World Bank, World Development Indicators (<http://www.worldbank.org/research>) ۳۲.
- (<http://www.fep.up.pt/investigacao/workingpapers>)
- (<http://www.sciencedirect.com/science/article>)
- (<http://mpira.ub.uni-muenchen.de/mprpaper>)
- (<http://www.fep.up.pt/investigacao/workingpapers>)